

اسلام آمریکایی

از منظر امام خمینی (ره)

گفت‌وگو با ابراهیم حاجی محمدزاده

هنوز این کلام دغدغه‌مندش در گوش ماست که «راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پاره‌پاره روشن گردد». پس آن گاه از چهره‌های دیروز و امروز این فریب با ما سخن گفت: اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام سلطنتی، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام مقدس‌نماهای متحجر، اسلام فرصت‌طلبان و ... در یک کلام اسلام آمریکایی، و هشدار داد: نباید از این مسئله غفلت کرد که امروز روز آماده‌باش همه دشمنان اسلام است. سال‌هاست که کلامش چراغ راهی شده برای ما، و ژرف‌اندیشی‌اش قوت قلبی که با ایمان و یقین گام برداریم. رهتوشه این شماره کیهان فرهنگی گفت‌وگویی است با یکی از پژوهشگران اندیشه امام، ابراهیم حاجی محمدزاده درباره «اسلام آمریکایی در اندیشه امام خمینی (ره)».

کیهان فرهنگی: ما بارها در سخنان امام خمینی (ره) دو تعبیر اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی را در تقابل با یکدیگر خوانده‌ایم و شنیده‌ایم. با توجه به این که سیاست‌های حاکم بر غرب اسلام‌ستیز است اطلاق «آمریکایی» بر آن چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا موقعیت تاریخی - سیاسی ایران پیش از انقلاب چنین محوری‌تی ایجاد کرده است؟

حاجی محمدزاده: تاکید حضرت امام روی اصطلاح «اسلام آمریکایی» تقریباً دو سال قبل از رحلتشان بود و تا جایی که من تحقیق کرده‌ام ایشان قبلاً آن را به کار نبرده بودند؛ حتی هنگام پیروزی انقلاب و پس از آن. اما درباره چرایی به‌کارگیری این اصطلاح باید به این موضوع بسیار مهم توجه داشته باشیم که حضرت امام با رهبری انقلاب اسلامی در عمل نشان دادند که مصمم به پیاده کردن اسلام با همه ابعادش در صحنه جامعه‌اند. این تعهد مسلمانان مثل تعهد همه انبیاء و اولیاء با مشکلاتی مواجه می‌شود. شما اگر بخواهید مراحل کاشت، داشت و برداشت بذر گیاهی را در کتاب ترسیم کنید، ویژگی‌های خاک، زمان رویش بذر و تبدیل آن به نهال، سپس درخت و میوه‌دانش را می‌گویید، که به لحاظ نظری (تئوری) هیچ‌گونه اشتباهی در بررسی روند رشد این گیاه نکرده‌اید و همه مسائلتش را گفته‌اید، اما اگر همین دانه را در محیط طبیعی رشد بدهید به‌طور یقین با آفت‌هایی مواجه می‌شود. حضرت امام از آغازی که وارد کار سیاسی شدند مصمم به پیاده کردن اسلام در جامعه بودند و این رسالت را

مبتنی بر وراثت راه‌انبیاء بر عهده‌هر انسان مسلمانی می‌دیدند، حال آن‌که متأسفانه اغلب افراد فکر می‌کردند همان کتابی که برای کتابخانه‌ها می‌نویسند کافی است. انبیاء و اولیاء همواره با مشکلات و مصائبی در عمل مواجه می‌شدند که در یک تئوری محض، گفتن یا نگفتن آن هیچ‌گونه اثری نداشت. مولا علی (ع) در نهج‌البلاغه در خطبه ۹۳ می‌فرماید: فانی فقات عین الفتنه (من چشم فتنه را کور کردم). بعد می‌فرماید که من برای تعهد به اسلام (آن اسلامی که انبیاء و اولیاء وارثان هستند) با سه گروه جنگیدم؛ فاسطین، مارقین، ناکتین. این‌ها آفت‌های جامعه‌ای هستند که امام در ۵ سال حکومتش برای پیاده کردن اسلام ناب با آن مواجه می‌شود، حتی در ابعاد بسیار عجیب و متضاد با هم. شما رفتارهای معاویه را که لحظه‌ای به اسلام ایمان نداشته و در دوران حاکمیتش جز به نابودی اسلام فکر نمی‌کرده است، ببینید! کسی می‌گوید در آن زمان که وی به حسب ظاهر قدرت اول در اسلام شده بود نزدش رفتیم و گفتیم: معاویه! حالا که تو مسلط شده‌ای آن قدر بر خاندان پیامبر سخت‌نگیر! در همان زمان صدای اذان بلند شد. معاویه گفت: این صدا را می‌شنوی؟ شهادت به رسالت پیغمبر بر ما ذمه داده می‌شود. تا این صدا بلند است من دست از دشمنی با خاندان پیغمبر بر نخواهم داشت. معاویه‌ای با این ویژگی را که دشمنی صدرصد و علنی با اسلام دارد ببینید و در همین جبهه مقابل با علی (ع) طلحه و زبیر را که اگر می‌خواستند بگویند ما انقلابی هستیم و در خط اسلام و پیامبر، لازم نبود شاهد بیاورند. اگر پیراهن خود را بالا می‌زدند رد شمشیرهای بدر و حنین و خندق و دیگر

تاکید حضرت امام روی اصطلاح «اسلام آمریکایی» تقریباً دو سال قبل از رحلتشان بود و تا جایی که من تحقیق کرده‌ام ایشان قبلاً آن را به کار نبرده بودند؛ حتی هنگام پیروزی انقلاب و پس از آن

شیعه بودن معنایش این است که بدانیم با اسلام‌هایی در خدمت دنیاطلبی و مزدوری اجنبی، منافع ایل و قبیله مواجهیم. حضرت امام این را به درستی درک کرده بود.

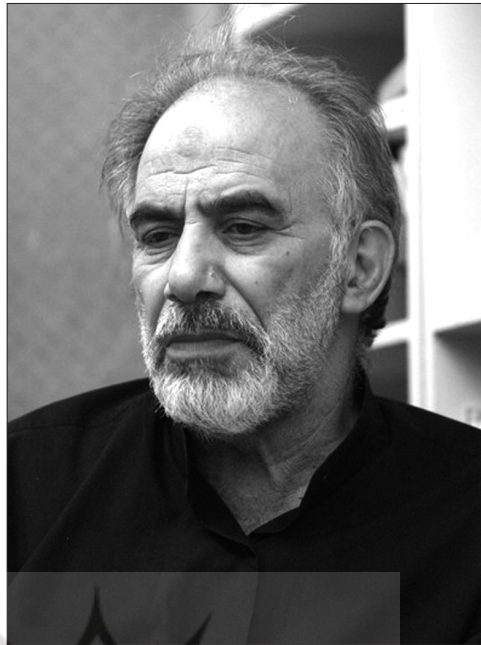
همه مسائل دنیای امروز درگیر است، یک گذشته ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دارد، استعمار انگلیس سال‌ها روی میناهای خاصی در رابطه با اسلام و معیارهای اسلامی کار کرده و عده‌ای مزدور به ظاهر مسلمان ساخته است؛ همه این‌ها بوده است. اگر امام می‌خواست ویژگی‌هایی از عرفان اسلامی، اسلام ناب، قرض بگیرد و هیچ تعهدی در عملش نباشد، برود در یک کتابخانه کتابی بنویسد هیچ‌کس اصرازی هم نبود ویژگی‌های اسلام آمریکایی را بر ملا کند، اما وقتی می‌خواهیم این دانه را در جامعه برویانییم و رشد دهیم به‌طور یقین مسائلی هست که حضرت امام ما را متوجه آن کند.

کیهان فرهنگی: سیاست‌های حاکم بر غرب کلا اسلام‌بستیز است. پس چرا امام بر آن اطلاق «آمریکایی» می‌کنند؟

حاجی محمدزاده: شما از کجای می‌گویید که سیاست‌های غرب مبتنی بر اسلام‌بستیزی به‌طور همه‌جانبه است؟ امام یک بار می‌گویند: (نقل به مضمون) تازگی آقای کارتر اسلام‌شناس شده است و می‌خواهد به ما درس اسلام بدهد. من منتظرم ببینم ایشان چه زمانی می‌خواهد اعلام بکند. منتظرم ببینم آقای کارتر چه زمانی حاشیه بر «عروه الوثقی» اش را می‌خواهد چاپ کند.

کیهان فرهنگی: اما اصطلاحی که امام به کار برده‌اند، «اسلام آمریکایی» است، نه «اسلام غربی».

حاجی محمدزاده: بله، آن هم به خاطر گریز از ذهنیت‌گرایی و کتابخانه‌های اندیش‌پسند است. امروز غرب، تجسمش در شیطان بزرگ، آمریکاست؛ بنابراین وقتی امام می‌فرماید: اسلام آمریکایی، مینایش این است که می‌خواهد مردم را در صحنه عمل مواجه با دشمن رودرروی مکتبشان اسلام ناب کند. آن روز که امام علی (ع) می‌فرماید: قاسطین، مارقین، ناکشین، می‌خواهد با خوارج، معاویه، طلحه و زبیر به صورت علنی و عینی نشان دهد که چگونه این‌ها به نام اسلام، به خاطر منافع خودشان مسیر انحراف از اسلام را پیمودند. امروز از دید امام شیطان بزرگ آمریکاست، صهیونیسم بین‌المللی است. مگر در گذشته انگلیس از همین اسلام مثلاً در رابطه با مسائل مشروطه برای اختلاف‌انداختن سوء استفاده نمی‌کرد؟ بنابراین چون حضرت امام تعهد به عمل دارد، اسلام غربی گفتن معلوم نمی‌کند که دشمن رودررو کیست، اسلام منافقین گفتن معلوم نمی‌کند. مولا علی (ع) وقتی می‌خواهد اسلام ناب را در مقابل اسلام انحرافی قرار دهد ویژگی‌هایش را حتی جمع هم نمی‌بندد نمی‌گوید: منحرفان، بلکه می‌گوید منحرفانی در شکل معاویه و حکومت معاویه، منحرفانی در شکل خوارج، منحرفانی در شکل اصحاب جمل و طلحه و زبیر؛ شما در قرآن می‌بینید حضرت موسی (ع) وقتی می‌خواهد مبارزه کند به صورت عینی فرعون را در مقابلش هست، نمودی در مقابل حضرت ابراهیم (ع) هست، در مقابل پیامبر ابولهبی هست: تبت بدایی لهب و تب. امام خودش را متعهد



جنگ‌ها بر بدنشان پیدا بود. ولی وقتی که امام مصمم است در حکومت ۵ ساله‌اش اسلام را پیاده کند سه دسته با فاصله‌های بسیار زیاد از هم، هر سه به نام اسلام و در نهایت در یک جبهه همسو در مقابل اسلام مجسم یا اسلام ناب که مولا علی (ع) است می‌ایستند. اصلاً شیعه بودن معنایش این است که بدانیم با اسلام‌هایی در خدمت دنیا طلبی‌ها و مزدوری اجنبی، منافع ایل و قبیله مواجهیم. حضرت امام این راه درستی درک کرده بود. وقتی نماز می‌خوانیم در سوره حمد می‌گوییم: اهدنا الصراط المستقیم، یعنی خدایا! ما را به راه راست (که همان راه ولایت است) هدایت کن! صراط‌الذین انعمت علیهم، اما مسئله با این آیه تمام نمی‌شود؛ در مقابل این راه جریان‌های انحرافی هستند که فاصله بسیاری هم با یکدیگر دارند؛ لذا می‌گوییم: غیرالمغضوب علیهم؛ نه راه کسانی که معاویه و وارثان چیز رانفی و به مزدوری آمریکا افتخار می‌کنند و هیچ‌گونه برائتی از آمریکا نمی‌جویند. این‌ها مغضوب علیهم هستند و دشمنی‌شان با اسلام خیلی روشن است، هم پیمانی‌شان با دشمنان اسلام هم مشخص است و عدم برائتشان از کفار و مشرکین نیز پیدا است، ولی آیا تنها راه انحراف این است؟ خیر. می‌گوییم: غیرالمغضوب علیهم والضالین. گمراهان (ضالین) کسانی هستند مدعی حق، اما به حق عمل نمی‌کنند از ولایت دفاع می‌کنند ولی در عمل عکس آن را پیاده می‌کنند؛ بنابراین موضوع اسلام ناب و اسلام آمریکایی مسئله‌ای تنها مربوط به امام نیست و در طول تاریخ، هر شیعه‌ای، هر مسلمان واقعی در مقابل اسلام‌های انحرافی قاسطین و مارقین و ناکشین بوده است. همین معاویه‌ای که به اسلام اعتقاد ندارد، در شرایطی قرآن را بالای نیزه می‌برد و می‌گوید: «لا حکم الا لله» حضرت امام خمینی (ع) می‌خواستند اسلام ناب را در جامعه پیاده کنند؛ جامعه‌ای که ایزوله شده از کل جهان نیست و با

موضوع اسلام ناب و اسلام آمریکایی مسئله‌ای تنها مربوط به امام نیست و در طول تاریخ، هر شیعه‌ای، هر مسلمان واقعی در مقابل اسلام‌های انحرافی قاسطین و مارقین و ناکشین بوده است.

اگر امام می‌خواست ویژگی‌هایی از عرفان اسلامی، اسلام ناب، قرض بگیرد و هیچ تعهدی در عملش نباشد، برود در یک کتابخانه کتابی بنویسد هیچ‌کس اصرازی هم نبود ویژگی‌های اسلام آمریکایی را بر ملا کند، اما وقتی می‌خواهیم این دانه را در جامعه برویانییم و رشد دهیم به‌طور یقین مسائلی هست که حضرت امام ما را متوجه آن کند.

به راه انبیاء می‌داند و این تعهد را با ارائه رودرویی اسلام ناب و اسلام آمریکایی مطرح می‌کند.

کیهان فرهنگی: آن چه امام مصداق اسلام آمریکایی عنوان کرده‌اند لایه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد؛ تحجرگرایان، مقدس نمایان حوزه‌های علمیه، آخوندهای درباری، مرفهان بدون درد، راحت طلبان، طرفداران سرمایه‌داری، مستکبران، منافقین و ...

حاجی محمدزاده: بله. حضرت امام درباره ویژگی‌های عینی و ملموس از اسلام ناب در نمایندگان ملت می‌فرمایند: «مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رای دهند که متعهد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند (ببینید چطور قضیه دارد ملموس می‌شود) و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌طینتان عارف (همه ابعاد این اسلام ناب را امام دارد معرفی می‌کند) و در یک کلمه مدافع اسلام ناب محمدی (ص) باشند...»

امام در ادامه به صورت ملموس ویژگی‌های اسلام آمریکایی را نیز برمی‌شمرند: «و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان و در یک کلمه اسلام آمریکایی هستند، طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.» امام می‌گوید شناخت اسلام ناب و اسلام آمریکایی به این طریق برای مردم بسیار ساده است. یک بحث پیچیده فلسفی عمیق نیست که مردم متوجه آن نباشند، بلکه بسیار ملموس است. ایشان در بخش دیگری از سخنانشان می‌فرمایند: «و تمیز بین کسانی که در تفکر خود، خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند با دیگران کار مشکلی نیست»

کیهان فرهنگی: برخی از مصادیق اسلام آمریکایی در کلام امام همچون آخوندهای درباری، تحجرگرایان، مقدس‌نمایان حوزه‌های علمیه در طول تاریخ ردپای منفی خود را بر جای گذارده‌اند و استکبار، استعمار، سرمایه‌داری در قرن اخیر منافع ملت‌ها را تهدید می‌کنند. جمع آن‌ها در دیدگاه امام و ارائه به جامعه، آن سهولت‌شناخت را که اشاره کردید، به ارمغان می‌آورد.

حاجی محمدزاده: همیشه این تحجرها بوده، هست و خواهد بود. امام (ع) می‌فرمایند که امام معصوم قائم آل محمد وقتی حکومت جهانی تشکیل می‌دهند عده‌ای در مقابلشان می‌ایستند و می‌گویند که ایشان از دین جدش خارج شده است! اتفاقاً عده‌ای از آن‌ها از فقها هستند؛ این جملات امام (ع) است. مثالی برای شما عرض کنم؛ آن را قبل از انقلاب پای تفسیر مرحوم آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت شنیدیم.

ایشان فرمودند کسی پس از جنگ نهران تعریف می‌کند که روزی بالای درخت خرما بودم. دو تا از خوارج را که پیشانی‌شان از سجده بینه بسته بود دیدم. جلوی فردی را که معروف به دوستی با حضرت علی (ع) بود گرفتند. همسر باردار آن مرد هم همراهش بود، به مرد گفتند: بگو در جنگ بین معاویه و علی حق با که بود؟ آیا علی کار درستی کرد که تن به حکمیت داد یا نه؟ این فرد تقیه کرد و گفت: یک موضوعی در گذشته اتفاق افتاده و حالا تمام شده است. شما چرا این را مطرح می‌کنید؟ آن دو گفتند: این طور که سخن می‌گوییم معلوم است از یاران علی هستی. آن وقت آن فرد را کشتند و سرش را بریدند. همسرش را هم کشتند و پهلویش را شکافتند. بچه‌اش را در آوردند و سرپریدند. بعد زیر همان درختی که من بر آن بودم دستشان را آب کشیدند تا وضو بگیرند و نماز بخوانند. یک عدد خرما از درخت روی زمین افتاده بود. یکی از خوارج خواست خرما را بردارد و بخورد، آن دیگری با هیجان دستش را گرفت و گفت: مال مردم را می‌خوری؟ من با خودم گفتم: سبحان الله. به ظن این که آن مرد طرفدار علی (ع) است به او، همسر و بچه در رحم مادر هم رحم نکردند و نگفتند خون مردم، اما درباره یک دانه خرما این قدر حساس شده‌اند. همیشه این مسیر ادامه داشته و خواهد داشت. مهم این است که بصیرتی که حضرت امام در انقلاب اسلامی برای ما مشخص می‌کند، داشته باشیم؛ رگ رگ است این آب شیرین، آب شور / تا قیامت می‌رود تا نفخ صور. برای پیاده کردن اسلام ناب باید هم راه مغضوبین و معاویه را شناخت، هم راه کسانی که با دشمنان انقلاب، منافقین، استکبار جهانی رابطه برقرار می‌کنند. تاییدات استکبار جهانی را هم حاضر نیستند نفی کنند، حاضر به توبه هم نیستند. عده‌ای هم (والضالین) در مقابل، نام اسلام، قرآن و امام زمان (عج) را می‌آورند ولی در عمل با جریان‌های انحرافی مدافع کسانی هستند که مقام معظم رهبری مخالفشان را با آنان در بست‌هایی که بودند نشان دادند.

مایلم بحث علل اصرار امام در مطرح شدن ویژگی‌های طرفداران اسلام آمریکایی و مواضع منافقانه مغضوبین و ضالین انقلاب اسلامی و تعهد حزب‌الله بر ارزش‌های توحیدی اسلام ناب محمدی مبتنی بر دیدگاه معمار انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی فرج قائم آل محمد در عصر غیبت مقارن ظهور را با این رهنمود مولای متقیان و سرور آزادگان توأم نمایم؛ مولایمان علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه خطبه ۱۴۷ می‌فرمایند: «واعلموا انکم لن تعرفوا الرشید حتی تعرفوا الذی ترک و لن تاخذوا بمیشاق الکتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذه» و بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آن که ترک‌کننده آن را بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن که پیمان‌شکنان را بشناسید، و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رهاکننده آن را شناسایی کنید.

کیهان فرهنگی: سپاسگزاریم.

اصطلاحی که امام به

کار برده‌اند، «اسلام

آمریکایی»، به خاطر

گریز از ذهنیت‌گرایی

و کتابخانه‌ای اندیشیدن

است. امروز غرب،

تجشمش در شیطان

بزرگ، آمریکاست؛

بنابراین وقتی امام

می‌فرماید: اسلام

آمریکایی، مبنایش این

است که می‌خواهد مردم

را در صحنه عمل مواجه با

دشمن رودرویی مکتبشان

اسلام ناب کند.

امام (ع) می‌فرمایند که امام

معصوم قائم آل محمد

وقتی حکومت جهانی

تشکیل می‌دهند عده‌ای

در مقابلشان می‌ایستند و

می‌گویند که ایشان از

دین جدش خارج شده

است! اتفاقاً عده‌ای از

آن‌ها از فقها هستند؛ این

جملات امام (ع) است.